

ضرورت شناسایی و تضمین نسل چهارم حقوق بشر؛ با تاکید بر ظرفیت‌ها و عملکرد سازمان همکاری اسلامی

افشین زرگر^۱، هیبت‌الله نژندی‌منش^۲، بهنام حبیبی درگاه^۳،
سید غلامرضا موسوی عسکری^۴

چکیده

تحولات سریع فناوری‌های نوین در حوزه‌هایی چون هوش مصنوعی، کلان‌داده، زیست‌فناوری و فضای سایبر، موجب شکل‌گیری بُعد جدیدی از مطالبات بشری شده است که در چارچوب «نسل چهارم حقوق بشر» بازتاب می‌یابد. این دسته از حقوق که متضمن مفاهیمی نظیر حق بر حریم خصوصی دیجیتال، امنیت اطلاعات، دسترسی برابر به فناوری، عدالت زیستی و حقوق بین‌نسلی است، اکنون در زمره مهم‌ترین چالش‌ها و ضرورت‌های نظم حقوقی بین‌المللی قرار دارد؛ با این حال، حقوق بین‌الملل بشر هنوز فاقد سازکارهای نهادینه برای شناسایی، تضمین و اجرای مؤثر این دسته از حقوق است.

مقاله حاضر با رویکردی تحلیلی نهادی، به بررسی ضرورت شناسایی و تضمین نسل چهارم حقوق بشر در عصر حاضر می‌پردازد و در این راستا، ظرفیت‌ها و عملکرد سازمان همکاری اسلامی را به‌مثابه یک نهاد منطقه‌ای با پشتوانه ارزشی مستقل و ساختار حقوقی خاص، مورد ارزیابی قرار می‌دهد. تمرکز اصلی پژوهش بر ارزیابی ساختارها، اسناد و کارویژه‌های کمیسیون دائمی حقوق بشر این سازمان در قبال چالش‌ها و مطالبات ناشی از تحولات فناورانه است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که اگرچه سازمان همکاری اسلامی در حوزه‌های سنتی حقوق بشر فعال بوده، اما تاکنون فاقد رویکردی نظام‌مند نسبت به نسل چهارم حقوق بشر بوده است. بر این اساس، مقاله پیشنهادهایی جهت تقویت نقش این سازمان در فرایند شناسایی، هنجارسازی و تضمین حقوق بشر نسل چهارم در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: نسل چهارم حقوق بشر، سازمان همکاری اسلامی، کمیسیون مستقل دائمی حقوق بشر، تحول فناورانه.

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج a.zargar@kiau.ac.ir

۲. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی hnajandimanes@kiau.ac.ir

۳. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج Behnam.habibi@kiau.ac.ir

۴. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، mosavi_askari@yahoo.com

(نویسنده مسئول)

درآمد

حقوق به مجموعه قواعد تنظیم کننده روابط انسان‌ها و حافظ نظم اجتماعی اطلاق می‌شود؛ از این رو قانونی که جدای از حوادث اجتماعی بماند فایده لازم را ندارد. حقوق نیز مانند سایر علوم و هنرها قواعد فنی خاص دارد که حقوق‌دان باید آن را بداند و به جای خود به کار برد؛ بنابراین تحولات اجتماعی که امری طبیعی در جهان هستی محسوب می‌شود، می‌بایست مورد مطالعه حقوق قرار گرفته و به واسطه قوانین و مقررات وضع شده، تنظیم گردد تا موجبات تضییع حق‌های بشری را فراهم نیاورد و نظم و انسجام جامعه را بر هم نزنند.

اساساً به جز شمار محدودی از حق‌های بشری که در بند ۲ ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۱ از آن‌ها تحت عنوان «حق‌های غیرقابل عدول»^۲ یاد شده است، هیچ حقی را نمی‌توان سراغ داشت که مطلق باشد و اجرای آن منوط به رعایت شرایطی چون عدم اضرار به دیگران یا رعایت اخلاق حسنه، بهداشت و نظم عمومی جامعه نباشد.

در این میان، حق آزادی بیان و نظر و زیر شاخه‌های آن مانند حق دسترسی به اطلاعات و فناوری‌های نوین و استفاده از آن‌ها نیز در شمار حق‌هایی هستند که تضمین و اجرای آن‌ها می‌بایست در یک چارچوب قانونی مشخص صورت گیرد تا موجبات تضییع سایر حق‌های بشری که بعضاً نیز در شمار حق‌های مطلق مانند حق حیات هستند را به همراه نیاورد. علم حقوق در این جا باید هم‌راستا با تحولات اجتماعی گام بردارد و با وضع قوانین و مقررات در سطوح ملی و بین‌المللی، به تضمین حق‌های انسان‌ها همت گمارد. بدیهی است، سازمان‌های بین‌المللی که متشکل از دولت‌ها هستند، به واسطه شخصیت حقوقی مستقل بین‌المللی که دارند، مأموریت داران اصلی تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل به شمار می‌روند؛^۳ امری که

1. International Covenant on Civil and Political Rights, 1966

2. Non derogable rights

۳. ماده ۱۵ اساسنامه کمیسیون حقوق بین‌الملل، سعی بر تفکیک مفاهیم تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل دارد. اصطلاح «توسعه مترقیانه حقوق بین‌الملل»، به معنی تهیه و آماده‌سازی پیش‌نویس یا طرح عهدنامه‌هایی در زمینه موضوعاتی است که هنوز در حقوق بین‌الملل قاعده‌مند نشده‌اند و یا در آن موارد، حقوق هنوز به حد کافی در رویه کشورها توسعه نیافته است و اصطلاح تدوین نیز به معنی قاعده‌مند کردن بسیار صحیح و منظم قواعد بین‌الملل در زمینه‌هایی است که قبلاً تنها

نمونه بارز آن را در ماموریت‌ها و عملکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل مجمع عمومی سازمان ملل متحد مشاهده می‌کنیم. با این حال، تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل تنها بر عهده کمیسیون حقوق بین‌الملل نبوده و سایر نهادهای سازمان ملل نظیر شورای حقوق بشر نیز بارها نسبت به انجام این ماموریت اقدام نموده‌اند.

علاوه بر سازمان ملل متحد، نباید از نقش و جایگاه سازمان‌های منطقه‌ای نیز غافل شد. سازمان‌های منطقه‌ای به ویژه با عنایت به اشتراکات فرهنگی و اجتماعی دول عضو، ظرفیت‌های بهتر و اجرایی تری جهت تضمین حق‌های بشری دارند. در این میان، می‌توان به سازمان همکاری‌های اسلامی اشاره کرد؛ لذا پرسش اصلی مقاله حاضر این است که اساساً ضرورت شناسایی و تضمین نسل چهارم حقوق بشر در بستر تحولات فناوری عصر حاضر چیست. همچنین در کنار پرسش اصلی، این پرسش مطرح می‌شود که ظرفیت‌ها و عملکرد سازمان همکاری اسلامی در شناسایی و تضمین نسل چهارم حقوق بشر چه بوده است.

نسل‌های مختلف حقوق بشر در یک فضای غیر واقعی و آرمانی شکل نگرفته، بلکه نتیجه سال‌ها تجربه انسانی و مطالعه دانشمندان و به ویژه علمای حقوق است؛ بنابراین تعدیل یا گسترش این نسل‌ها نیز باید به دلیل تغییراتی که در عالم واقع صورت می‌گیرد و به منظور پاسخگویی به نیازها شکل گیرد. از سوی دیگر، وجود زمینه‌های حمایت از حق هم مهم است؛ اگر زمینه‌های حمایتی و قابلیت پذیرش حق وجود نداشته باشد، طرح آن فایده چندانی ندارد و اصولاً دولت‌ها خود را ملزم به تبعیت از آن نمی‌دانند. ارائه فهرست بلند و بالایی از حق‌ها نه تنها در مواردی فاقد اثر و فایده است، بلکه در مواقعی می‌تواند بر حمایت از سایر حقوق اساسی تأثیر منفی داشته باشد.

سیلویو مارکس^۱ پس از اشاره به مشکلات گسترش سیاهه حقوق بشر، درباره لزوم حفظ کرامت انسانی می‌نویسد: «علی‌رغم وجود این دلایل، ما ذکر و ارائه نسل چهارم حقوق بشر را ضروری ارزیابی می‌کنیم؛ حقوقی که باید از حیثیت و کرامت انسانی در مقابل سوء استفاده از علم دفاع کند» (سیلومارکس، ۱۳۸۵: ۳).

یک رویه ساده بوده است.

1. Silvio Marx Hellmans

از زمان پیدایش تکنولوژی که عمری به قدمت انسان دارد تا سال‌های اخیر که به نوعی عصر تکنولوژی‌های مدرن خوانده می‌شود، مطالب زیادی پیرامون مفهوم، ماهیت و آثار تکنولوژی مطرح شده است. نخست باید یادآوری نمود که این تصور که تکنولوژی جایگزین تمام و کمال انسان است، صحیح نیست. در همین مسیر نباید در ماهیت و آثار تکنولوژی افراط کرد. گفته شده است که برای شناخت ماهیت تکنولوژی باید به اندیشه‌های مارتین هایدگر مراجعه شود؛ زیرا او از معدود فیلسوفانی است که در باب تکنولوژی تأمل فلسفی نموده و سعی در کشف روح حاکم بر تکنولوژی‌های مدرن داشته و با نقد دیدگاه رایج از تکنولوژی به سوی ماهیت آن حرکت کرده است (علی‌زمانی، ۱۳۷۹: ۱).

هایدگر^۱ برای شناخت تکنولوژی دو جهت فکری معرفی می‌کند: «تکنولوژی نوعی عقل کار است که در یک سویش وجود و غایت آن نهفته است و در سوی دیگرش مظهریت همین وجود و غایت آن بخشی از آن وجود تا آنجایی که توانسته ایم آن را به عقل تبدیل کنیم. آنچه ما اکنون از تکنولوژی ملاحظه می‌کنیم یا در جهان تجربه می‌کنیم بخشی از آن وجود است» (قانع بصیری و میلانی، ۱۳۸۸: ۲۵ - ۲۶). هایدگر در خصوص رابطه انسان با تکنولوژی اشاره دارد که هرچه میل به سلطه یافتن بر تکنولوژی شدت و ضرورت می‌یابد، کنترل و هدایت تکنولوژی بیشتر از دست بشر خارج می‌شود. در واقع هنگامی که تکنولوژی به صورت دستگاهی برای افزایش قدرت سیاسی و یا اقتصادی درآید، نیروی زایش آن به جای این‌که رهایی بخش باشد به صورت عامل ضرورت آفرین درآمده و به ابزار قدرت بدل می‌شود. (همان: ۳۲). هایدگر با بحث‌های مفصل سرانجام به این نتیجه می‌رسد که آنچه خطرناک است تکنولوژی نیست. تکنولوژی شیطانی نیست؛ اما ماهیتش مرموز و اسرار آمیز است. انسان زندانی در چنبره تکنولوژی ناچار است برای رهایی از این قالب‌های از پیش ساخته مدام دعوت به تعارض کند؛ بنابراین در صورت فقدان فضای مناسب، نیروی افاضه بخشی او تبدیل به نیروی مخرب می‌شود که در معصومانه‌ترین شکل آن تکرار و توهم بروز می‌کند و این یعنی توقف و درماندگی و از دست رفتن مهم‌ترین رسالت انسانی در طول زندگی‌اش (همان: ۱۲۶ - ۱۲۷).

1. Martin Heidegger

بنا بر آنچه گفته شد، تکنولوژی که از ابتدا برای کمک به انسان اختراع شد، امروزه در مواردی از کنترل خارج شده و انسان را از مسیر اصلی خود منحرف نموده است. در واقع همین روند موجب نگرانی شده و در نتیجه حمایت و حفاظت از حقوق و کرامت انسانی اقتضاء دارد تا تدابیری برای حمایت از افراد در برابر تکنولوژی‌های نوین اتخاذ گردد. چارچوب نظری مقاله حاضر حقوق بین‌الملل موضوعه با رویکرد اثبات‌گرایانه (پوزیتیویسم) است. در این مقاله ابتدا به مفهوم شناسی و تعریف نسل چهارم حقوق بشری پرداخته شده و سپس ضرورت شناسایی و تضمین آن به عنوان نسلی جداگانه در عصر حاضر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در قسمت دوم مقاله، ظرفیت‌ها و عملکردهای سازمان همکاری اسلامی به مثابه یک نهاد منطقه‌ای با پشتوانه ارزشی مستقل و ساختار حقوقی خاص مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. تمرکز اصلی مقاله در این بخش بر ارزیابی ساختارها، اسناد و کارویژه‌های کمیسیون دائمی حقوق بشر این سازمان در قبال چالش‌ها و مطالبات ناشی از تحولات فناورانه است.

۱. مفهوم شناسایی و چستی نسل چهارم حقوق بشر و جایگاه کنونی آن در

نظام حقوق بین‌الملل بشر

هنگامی که از حقوق بشر صحبت می‌شود، نسل‌های حقوق بشر مقدم بر سایر مباحث مطرح می‌گردد که در واقع نوعی تقسیم بندی حقوق بشر است. عبارت «نسل‌های حقوق بشری»، ناظر بر سه نسل حقوق بشر است که توسط کارل واساک، حقوق‌دان فرانسوی، برای طبقه‌بندی حق‌های بشری در متون حقوقی به کار رفته است (زمانی و ملک‌حسینی، ۱۴۰۱: ۲۷). نسل اول، نسل دوم و نسل سوم هر کدام شامل حقوقی است که شناسایی و تضمین آن‌ها از سطح محدود خارج شده و حمایت از این حق‌ها در سطح جهانی مطرح می‌باشد. به عبارت دقیق‌تر، احترام و تضمین حق‌های بشری در اسناد مهم بین‌المللی و منطقه‌ای مورد تأکید قرار گرفته و دولت‌ها متعهد به اجرای این اسناد هستند. نسل اول حقوق بشر حقوق مدنی و سیاسی است و شامل حقوق بنیادینی چون حق حیات، آزادی عقیده، آزادی بیان، آزادی تجمعات، امنیت و ضمانت‌های قضایی را در بر می‌گیرد. نسل دوم حقوق بشر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. برخی از این حقوق عبارتند از کار، تأمین

اجتماعی، سطح مناسب زندگی، رفاه، حق مشارکت در زندگی فرهنگی و ... که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است. نسل سوم حقوق بشر که به آن حقوق جمعی هم اطلاق می‌گردد شامل حق توسعه، حق برخورداری از محیط زیست سالم و حق صلح می‌شود. مؤلفه‌های اصلی حقوق نسل سوم، به معنای برابری و تساوی همه انسان‌ها یعنی مشارکت همه ارکان جامعه مدنی است که منجر به افزایش سطح رفاه عمومی می‌گردد. در واقع در نسل سوم حقوق بشر عناوین مسئولیت تا حدود زیادی تغییر کرده‌اند. مسئول اولیه در دو نسل اول و دوم در حمایت و تضمین حقوق بشر دولت است؛ اما در نسل سوم هر چند مسئولیت اولیه و اساسی با دولت خواهد بود ولی شاخص مشارکتی انواع حقوق نسل سوم، این مسئولیت را عملاً کمرنگ نموده است (ذاکریان، ۱۳۸۳: ۲۲۵).

طرح طبقه‌بندی مؤلفه‌هایی که نسل‌ها را شکل می‌دهند مورد انتقاد جدی قرار گرفته است؛ ممکن است این تلقی ایجاد شود که نسل‌های جدید حقوق بشر نسل‌های قدیمی‌تر را نسخ می‌کنند اما در بحث نسل‌های حقوق بشر موضوع این نیست. بین سه نسل یک رابطه هم‌زیستی و حمایت متقابل وجود دارد (تاموشات، ۱۳۸۶: ۱۰۴) و طبقه‌بندی حقوق بشر به نسل‌های سه‌گانه تقسیم‌بندی بر مبنای سیر تحول تاریخی حقوق بشر بین‌المللی می‌باشد، نه تقسیم‌بندی عملی (قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۳: ۶۵). در شرایطی که هنوز با تردید به نسل سوم حقوق بشر نگاه می‌شود، سخن از نسل چهارم و حتی پنجم حقوق بشر به میان آمده است. با طرح مطالبی پیرامون نسل‌های جدید حقوق بشر، از یک سو نگرانی‌هایی برای کاهش اهمیت حقوق شناسایی شده ایجاد می‌شود و از سوی دیگر مرور زمان و نیازهای روز انسان‌ها، مانع نفی عجولانه این حقوق می‌شود.

۱-۱. مفهوم و دامنه نسل چهارم حقوق بشر

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، نسل چهارم حقوق بشر هنوز نه در قالب یک سند جامعی همچون میثاق یا کنوانسیون و نه تنها در قالب یک پیش‌نویس مورد توافق میان بازیگران حقوق بین‌الملل تعریف نشده و مصادیق حق‌های مندرج در آن احصاء نشده است؛ با این حال، از تعاریفی که در سطح کارشناسان و دکترین در این خصوص انجام شده است، تا حدی می‌توان محوریت و تمرکز

حق‌های مندرج در این نسل را دریافت و دامنه آن‌را با توجه به این محوریت تعریف و شناسایی نمود؛ لذا اغلب ارجاعات در این قسمت، معطوف به استدلال‌های دکترینال است و ارجاع به یک سند یا قاعده حتی از جنس نرم یا قوام نیافته در این حوزه وجود ندارد.

سیلویو مارکس در یکی از مقاله‌های خود، به نسل چهارم حقوق بشر پرداخت. ایشان ذکر و ارائه نسل چهارم حقوق بشر را ضروری دانسته و اعتقاد دارد که نسل چهارم شامل حقوقی است که باید از حیثیت و کرامت انسانی در مقابل سوء استفاده از علم دفاع کند. وی برای تأکید بیشتر در عبارتی قابل تأمل و توجه می‌نویسد: «بعد از تحولات کشاورزی و صنعتی، اکنون ما شاهد تحولات علمی هستیم، اما این فناوری خارق‌العاده با ارزانی داشتن داده‌های بالقوه ما را به انقیاد خود در آورده و جوامع را شکننده نموده است» (سیلومارکس، ۲۰۰۵: ۵). وی در نوشتار مذکور این حقوق را احصاء نکرده و صرفاً به بیان چند مصداق پرداخته است. در مصادیق به جنبه‌های مختلف توجه شده و منظور سیلویو مارکس هر نوع پیشرفت علمی است که به نوعی کرامت و حیثیت انسانی را زیر سؤال می‌برد. به عقیده سیلویو مارکس نسل چهارم حقوق بشر که در اثر پیشرفت علم و تکنولوژی پدیدار گشته، به طور مختصر مجموعه حقوقی است که هدف آن دفاع از حیثیت و کرامت انسانی در مقابل سوء استفاده‌های علمی می‌باشد (سیلومارکس، ۲۰۰۵، ۴۵). اگرچه سایر حق‌های بشری شناسایی شده در نسل‌های اول، دوم و سوم نیز جملگی با هدف حمایت از حیثیت و کرامت انسانی تدوین گردیده‌اند، لیکن نسل چهارم به حمایت از کرامت در عصر توسعه چشم‌گیر علم و تکنولوژی اشاره دارد و به نوعی وجه متمایز آن نه حمایت از کرامت انسانی بلکه حمایت از کرامت در فضای پیشرفت علم و تکنولوژی و در برابر سوء استفاده‌های احتمالی از علم در عصر حاضر است.

نوربرتو بوبیو^۱ حقوق‌دان و سیاست‌مدار ایتالیایی که در زمینه فلسفه حقوق به تحصیل و پژوهش پرداخته، نسل چهارم حقوق بشر را شامل دستاوردهای علم ژنتیک و علم پزشکی قانونی می‌داند. از انواع این حقوق می‌توان به شبیه‌سازی انسان، تغییر جنسیت، سقط جنین، پیوند اعضا و مرگ مغزی اشاره کرد (Cornescue, 2009: 5).

1. Norberto Bobbio

وی هر یک از تحقیقات و اقدامات پزشکی در حوزه‌های مذکور را با تأکید بر تبعات آن بر کرامت انسانی مورد اشاره قرار داده و نتیجه می‌گیرد که اجرای نادرست و بدون کنترل تحقیقات پزشکی و ژنتیک می‌تواند آثار زیان‌باری بر زندگی انسان در آینده نه چندان دور داشته باشد. این حقوق‌دان گستره فراتری برای نسل چهارم در نظر نگرفته است (Cornescue, 2009: 5).

از نظرات متخصصان یاد شده در بالا می‌توان چنین نتیجه گرفت که حقوق مندرج در نسل چهارم نه تنها از حیث مبانی، بلکه از حیث دامنه و صاحبان حق و طرف‌هایی که تعهد بر عهده آن‌ها است، نامشخص و جزو منطقه خاکستری حقوق بین‌الملل قرار دارند. این واقعیت البته به معنای تردید در ضرورت شناسایی نسل چهارم حقوق بشر نیست، بلکه آغازی برای پرسش‌گری جدید محسوب می‌شود. در این نسل، «حقوق مرتبط با مهندسی ژنتیک» قرار می‌گیرند که در مورد شناسایی یا ممنوعیت یا تحدید فعالیت‌های خاص مرتبط با آن‌ها بحث‌های فراوانی وجود دارد. مطالعه ژنوم انسان، دستکاری ژنتیکی، لقاح آزمایشگاهی، تجربیات جنین انسان، اتانازی و اصلاح نژاد، فعالیت‌هایی هستند که می‌توانند مسائل حقوقی پیچیده، اخلاقی و حتی مذهبی را ایجاد کنند و به همین دلیل افکار عمومی، دولت‌ها را به تنظیم مقررات در رابطه با این موضوعات واداشته‌اند. شورای اروپا به کشورهای عضو توصیه می‌کند اصولی را اتخاذ کنند که بر رابطه بین مهندسی ژنتیک و حقوق بشر حاکم باشد، به گونه‌ای که حق حیات و کرامت به عنوان حقی بر ویژگی‌های ژنتیکی یک فرد شناسایی شود (کنوانسیون اویدو و پروتکل‌های آن).^۱ همچنین می‌توان به حقوق ناشی از اکتشاف و بهره‌برداری از فضای کیهانی به عنوان یکی از مصادیق نسل چهارم حقوق بشر اشاره کرد. پرکاربردتر از تمامی مصادیق اشاره شده در بالا در دنیای امروز، استفاده و بهره‌مندی از هوش مصنوعی است. ملاحظات و کدهای اخلاقی و مراقبت‌های مقتضی حقوق بشری در خصوص استفاده از هوش مصنوعی از جمله موضوعاتی است که در چارچوب نسل چهارم حقوق بشر مطرح شده و یکی از حق‌های مندرج در این نسل به حساب می‌آید.

از مجموع اسناد و منابع نگارش یافته در حوزه نسل چهارم حقوق بشر،

1. Oviedo Convention and its Protocols, 1999

درخصوص ماهیت این نسل و همچنین ویژگی‌های آن می‌توان دو گفتمان را برداشت کرد. گفتمان نخست، حق‌های مندرج در نسل چهارم و نه حق‌هایی مستقل بلکه حق‌های از قبل شناخته شده در بستر و فضایی جدید یعنی در بستر علم و تکنولوژی‌های جدید را معرفی می‌کند. به گمان طرفداران این گفتمان، نسل چهارم حقوق بشر اگرچه تضمین کننده حق‌های شناسایی شده در نسل‌های قبل است، لیکن با عنایت به فضای جدید ناشی از پیشرفت علم و فناوری، باید قائل به توسعه و تحول مفهومی حق‌های شناسایی شده قبلی بود و در نتیجه نسل جدید نیاز است تا حق‌های متحول شده را شناسایی نموده و اقتضائات و الزامات تضمین و اجرای آن‌ها را معین نماید. در مقابل این گفتمان، این گفتمان مطرح می‌شود که نسل چهارم اساساً مشتمل بر حق‌های منحصر به فردی که در نسل قبلی مورد شناسایی قرار نگرفته بود یا حداقل به صورت مستقل مورد شناسایی قرار نگرفته است. برای مثال به حق مهندسی ژنتیک یا شبیه سازی انسان، حق ناشی از اکتشاف و بهره برداری از فضای کیهانی، حق حفاظت از میراث فرهنگی، حق ناشی از هوش مصنوعی و ... به عنوان حق‌هایی مستقل قابل شناسایی در قالب نسل چهارم اشاره می‌کنند.

به هر روی، ارتباط متقابل حق‌های بشری با یکدیگر، همواره مورد تاکید اسناد مختلف حقوق بشری قرار گرفته است. بدیهی است که هیچ حقی را نمی‌توان سراغ گرفت که با سایر حق‌های بشری مرتبط نباشد. حق حیات مندرج در ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۱، با بسیاری از حق‌های این میثاق نظیر حق منع شکنجه مرتبط است. اساساً شناسایی حق‌های جدید نه لزوماً از این حیث که کاملاً جدید هستند، بلکه در بعضی موارد از این حیث که نیازمند توجه ویژه تر و الزامات قوی تر و زاویه نظارتی متفاوت تر هستند انجام می‌پذیرد. حق‌های مندرج در نسل چهارم حقوق بشر نیز قطعاً در ارتباط با حق‌های سایر نسل‌های حقوق بشری هستند، لیکن تمرکز بیشتر و ارتقاء آن‌ها در بستر فضای جدید، تدوین این حق‌ها در قالبی جدید را ضروری می‌نماید.

1. International Covenant on Civil and Political Rights, Article 6, Available at: <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-covenant-civil-and-political-rights>

۲-۱. افزایش احتمال تضاد بین نسل‌های حقوق بشر در نتیجه تکثیر و نهادینه سازی حقوق جدید

حقوق بشر در تکامل تاریخی خود تقریباً از چهار فرایند مختلف عبور کرده است: اثبات‌گرایی،^۱ تعمیم،^۲ بین‌المللی شدن^۳ و تخصص‌گرایی.^۴ پس از جنگ جهانی دوم، بشریت به عنوان پاسخی به جنایات جنگی و تأثیرگذاری بر انسان، چه در جامعه مدنی، چه در سطح نهادی، ملی و بین‌المللی، به دنبال به رسمیت شناختن حقوق و حمایت از ارزش‌های مقدس خود بوده است؛ بنابراین مطالبات بیشتری از سوی فرد و همچنین از سوی گروه‌هایی از افراد پدیدار شد؛ مطالباتی که تکامل یافتند و شکل قانونی حقوق فردی^۵ را به خود گرفتند و دولت آن‌ها را به رسمیت شناخت و از آن‌ها حمایت کرد. آنچه مشخصه دوران پس از جنگ است، تکثیر و نهادینه شدن حقوق بشر است. ویژگی که باعث به وجود آمدن پدیده‌ای به نام «تورم هنجاری» و «تورم سازکاری» حقوق بشر گردید، اما در چارچوب نظرات دکترین، این واقعیت تکثیر و نهادسازی بی رویه، مورد انتقاد قرار گرفته است که عمده دلایل مطرح در این رابطه عبارتند از: نخست، تورم صورت گرفته، یک تهدید برای موجودیت دولت‌های قانونی و تضعیف اقتدار آن محسوب می‌شود؛ دوم، نهادینه شدن برخی حقوق، موجب ناکارآمدی برخی دیگر می‌شود؛ و سوم، بین نسل‌های مختلف حقوق تضاد ایجاد می‌شود.

در واقع منتقدان بر این باور بودند که ذیل شناسایی حقوق بشر، قرار بود تعدادی از حقوق نسل اول و دوم در سطح ملی و بین‌المللی به رسمیت شناخته شده و حمایت شوند. پس از آن، مفهوم حقوق بشر باید شامل حقوق نسل سوم می‌شد.

منتقدان تأکید می‌کنند که روند تکثیر حقوق منجر به ظهور برخی اصطکاک‌ها و تضادها بین آن‌ها شده است؛ بنابراین به عنوان مثال، ایجاد حقوق

-
1. positivation
 2. generalization
 3. internationalization
 4. specialization
 5. Subjective rights

اجتماعی، اقتصادی که مستلزم مداخله و حمایت دولت در اقتصاد است، حقوق نسل اول و حق مالکیت یا حقوقی را که قدرت دولت را محدود می‌کند (مسأله مالیات‌های جدید و کنترل بر ایجاد آن‌ها) را با محدودیت مواجه می‌سازد. یا به عنوان مثال، حق آموزش و آزادی تحقیق علمی، با حوزه دست‌کاری ژنتیکی در تضاد است. حق امنیت یک شخص با حق حفظ حریم خصوصی در تضاد است (ScienceDirect, Generation Rights: 2001, 84).

تخمین زده می‌شود که تضاد بین حقوق فردی نسل‌های مختلف یا بین آن‌ها و آن دسته از اهداف انسانی که تمایل به شناسایی دارند (نسل چهارم حقوق)، یک عامل بحران و یک خطر بالقوه برای حاکمیت قانون است. ماهیت جهانی حقوق فردی که به عنوان حقوق بشر شناخته می‌شود باعث می‌گردد که آن‌ها دارای اهمیت فراملی باشند که شامل رسیدگی به آن‌ها در سطح بین‌المللی فراتر از موقعیت دولت مورد نظر است.

منتقدان وضعیت تعارض حقوق را بر دو نوع می‌دانند: نخست، تعارضات ناشی از تصورات مختلف در مورد یک حق اساسی؛ و دوم، تعارضات ناشی از ناتوانی در حمایت یا اعمال یک حق اساسی بدون نقض حقوق اساسی دیگر (ScienceDirect, Generation Rights: 2001, 89).

بسیار محتمل است که اعمال یک حق اساسی، بدون ایجاد محدودیت در یک حق اساسی دیگر، عملی نباشد. به گفته پروفیسور سوفیا پوپسکو^۱ تعارضات بین نسل‌های مختلف حقوق فردی و حقوق اساسی با این واقعیت توضیح داده می‌شود که آن‌ها ناشی از منافع اجتماعی مختلف هستند، تحت حمایت حقوق متفاوتی قرار دارند و ناشی از رقابت بین ارزش‌های تحت حمایت حقوق اساسی مختلف هستند (ScienceDirect, 2001: 92).

با این حال و با وجود صحیح بودن انتقاد وارده باید اذعان داشت که این انتقاد در واقع ریشه در یک واقعیت دارد. تزامم بین حق‌های مختلف (حتی حق‌های شناسایی شده در قالب یک نسل)، امری بدیهی و غیرقابل انکار است. به همین دلیل است که بند ۲ ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ از برخی

1. Sofia Popescu

حقوق به عنوان حق‌های غیرقابل عدول یاد می‌کند و سایر حقوق را در دسته حقوق مشروط قرار داده که با رعایت شرایطی می‌توان به صورت موقت از آن‌ها تخطی کرد. در واقع این ماده آشکارا راهکار حل تعارض فی ما بین حق‌ها را بیان داشته و از این واقعیت پرده بر می‌دارد.^۱

نکته دیگر آن‌که تراحم بین حق‌های مندرج در یک نسل با حق‌های سایر نسل‌ها، در بسیاری از موارد یک برساخت غیرواقعی ناشی از درک نادرست از ماهیت یک حق در قالب یک نسل است. همان‌طور که اشاره شد تعهدات ناشی از حق‌های نسل دوم از جنس ایجابی و تدریجی است. ممکن است حقی چون حق بر سلامتی که ارتباط معناداری با حق حیات دارد و در تفاسیر جدید کمیته حقوق بشر (نظر تفسیری شماره ۳۶)^۲ نیز بدان پرداخته شده است، در نگاه اول تعهداتی متضاد برای دولت‌های عضو میثاقین ایجاد نماید، حال آن‌که عنایت به چارچوب و قالبی که این حق در آن قرار گرفته یعنی نسل اول یا نسل دوم می‌تواند این تضاد یا تقابل را به یک تفاوت و تعهد مضاعف تبدیل کرده که در قالب نسل اول از جنس سلبی و فوری است و در قالب نسل دوم از جنس ایجابی و تدریجی که هر یک مقضیات خاص خود را دارد؛ لذا شناسایی حق‌ها در قالب نسل جدید از جمله نسل چهارم که در این مقاله از آن سخن به میان می‌آید، به هیچ عنوان تکرار شناسایی و دوباره کاری محسوب نشده، بلکه تحول، توسعه و ارتقاء حقوق بشر را نمایان ساخته و معنا، مفهوم و دامنه جدیدی را برای حق مربوطه ایجاد می‌نماید.

۲. ظرفیت‌ها و عملکرد سازمان همکاری‌های اسلامی در حمایت و ارتقاء نسل

چهارم حقوق بشر

سران دولت‌های اسلامی در سال ۱۹۶۹ با هدف ارتقای همبستگی میان کشورهای اسلامی برای حمایت از فلسطین و سایر سرزمین‌های اشغالی مراحل تأسیس سازمان همکاری اسلامی را آغاز نمودند^۳ (موسی‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۵۳). این

1. No derogation from articles 6, 7, 8 (paragraphs I and 2), 11, 15, 16 and 18 may be made under this provision.

2. General comment No. 36 on article 6: right to life, Available at: <https://www.ohchr.org/en/calls-for-input/general-comment-no-36-article-6-right-life>

3. Organisation of Islamic Cooperation, Available at: <https://www.oic-oci.org/en/page/1>

سازمان به عنوان بزرگترین جامعه کشورهای مسلمان، تنها نهاد بین‌المللی مذهبی در جهان است که با هدف همکاری گسترده میان دولت‌های عضو در قلمروهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تأسیس شده است (بیگزاده، ۱۳۸۹: ۸۹۸). سازمان از پنجاه و هفت دولت عضو اصلی و پنج دولت عضو ناظر^۱ تشکیل شده و با در اختیار داشتن بخش وسیعی از ذخایر و گاز جهان، تنگه‌ها و آبراه‌ها و منابع غنی مادی از پتانسیل بسیار بالایی برای اثرگذاری بر معادلات جهانی برخوردار است. براساس نظرات ارائه شده توسط متخصصان حقوق سازمان‌های بین‌الملل، «سازمان که با اولویت حمایت از دولت‌های عضو و تقویت روابط مسالمت آمیز با دیگر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی بنا نهاده شده بود، طی چند دهه فعالیت خود با موانع بسیاری از جمله اختلافات کشورهای عضو، ضعف ساختاری و نبود ضمانت‌های اجرایی برای مصوبات و قطع‌نامه‌های سازمان روبه‌رو بوده که موجب عملکرد ضعیف سازمان در مدت فعالیت خود و همچنین عدم دستیابی به اهداف ترسیم شده از سوی اساسنامه سازمان گردیده است» (موسوی اصل، ۱۳۹۸: ۱۶).

پیش از آن‌که به ظرفیت‌ها و عملکردهای سازمان همکاری اسلامی در حمایت و ارتقاء نسل چهارم حقوق بشر پردازیم، لازم است مروری بر رویکردهای مختلف سازمان نسبت به مقوله حقوق بشر در سال‌های پس از تأسیس بیاندازیم و بعد از آن از نسل چهارم در سازمان سخن برانیم.

۲-۱. رویکردهای مختلف سازمان همکاری اسلامی در خصوص حقوق

بشر

برای درک تحول رویکرد سازمان همکاری اسلامی به حقوق بشر، ناگزیر از دوره‌بندی تاریخی هستیم. در پژوهش‌های موجود، به‌ویژه در کار دکتر موسوی اصل (۱۳۹۸-۱۳۹۹)، این تحول ذیل سه مرحله «بی‌توجهی»، «مواجهه» و «توجه» روایت

۱. اعضای اصلی: الجزایر، بنین، بوركینافاسو، کامرون، چاد، اتحاد قمر، ساحل عاج، جیبوتی، مصر، گابن، گامبیا، گینه، گینه بیسائو، لیبی، مالی، موریتانی، مراکش، موزامبیک، نیجر، نیجریه، سنگال، سیرالئون، سومالی، سودان، توگو، تونس، اوگاندا، افغانستان، جمهوری آذربایجان، بحرین، بنگلادش، بروئی دارالسلام، اندونزی، ایران، عراق، اردن، قزاقستان، کویت، قرقیزستان، لبنان، مالزی، مالدیو، عمان، پاکستان، فلسطین، قطر، عربستان سعودی، سوریه، تاجیکستان، ترکیه، ترکمنستان، امارات متحده عربی، ازبکستان، یمن، آلبانی، گویان و سورینام
اعضای ناظر: بوسنی و هرزگوین، جمهوری آفریقای مرکزی، تایلند، روسیه و قبرس شمالی

شده است. هرچند این روایت از نظر توصیف وقایع سودمند است، اما به باور ما از چند جهت دچار کاستی تحلیلی است: نخست، تقلیل گرایانه و خطی است؛ دوم، عوامل ساختاری و ژئوپلیتیکی نادیده گرفته شده را برجسته نمی‌کند؛ سوم، به ارزیابی هنجاری شتاب‌زده‌ای از «ناموفق بودن» سازمان در دوره دوم می‌پردازد بدون آن که منطق درونی کنش‌های سازمان را شناسایی و ارائه نماید. از این رو، در اینجا کوشش می‌شود ضمن بهره‌گیری از داده‌های تاریخی، خوانشی انتقادی و تکمیل‌شده از سه دوره ارائه گردد.

۱-۲. دوره نخست: بی‌توجهی یا فقدان ساختار، نقد روایت غیاب

محض

به استناد اسناد اولیه سازمان (اعلامیه رباط ۱۹۶۹ و اساسنامه ۱۹۷۲)، دکتر موسوی اصل به درستی اشاره می‌کند که «حقوق بشر در اولویت‌های سازمان نبود» و اساسنامه «تنها اشاره‌ای گذرا» به منشور ملل متحد دارد. همچنین جرمی به درستی فقدان مکانیسم اجرایی را دلیل «غیرتأثیرگذاری» اعلامیه رباط می‌داند (Jeremy, 2016: 18). اما مشکل آن‌جاست که این تحلیل‌ها، «علت غایی» این بی‌توجهی را بررسی نمی‌کنند.

نقد ما به این دسته از آثار آن است که آن‌ها زمینه‌های سیاسی تأسیس سازمان را نادیده می‌گیرند. سازمان همکاری اسلامی (که در ابتدا «سازمان کنفرانس اسلامی» نام داشت) در پی آتش‌افروزی در مسجدالاقصی (۱۹۶۹) و با انگیزه وحدت سیاسی جهان اسلام در برابر اسرائیل و غرب شکل گرفت، نه به‌عنوان یک نهاد حقوق بشری. از این منظر، غیاب سازوکارهای حقوق بشری در آن سال‌ها، نه «شکست» سازمان، بلکه بازتابی از ماهیت تأسیسی آن بود. به عبارت دیگر، دکتر موسوی اصل میان «نبود اولویت» و «نبود ظرفیت بالقوه» خلط کرده است. سازمان در آن مقطع اساساً تعریف نشده بود که ناظر بر حقوق بشر باشد؛ از این رو، صحبت از «روی‌گردانی» (موسوی اصل: ۱۳۹۸، ۲۵۰) پیش از آنکه یک داوری هنجاری باشد، بیشتر یک واقعیت تاریخی است.

۲-۱-۲. دوره دوم: مواجهه یا نقد تقابل‌انگاری ساده

دوره دوم (حدود ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۴) که دکتر موسوی اصل آن را «دوره مواجهه با حقوق بشر بین‌المللی» می‌نامد، در واقع پیچیده‌ترین مقطع تحول سازمان است. در این‌جا نویسندگانی چون مایر (Mayer, 2007) و کایا اوغلو (Kayaoglu, 2015) بر ناسازگاری اعلامیه قاهره (۱۹۹۱) با اعلامیه جهانی حقوق بشر انگشت می‌گذارند. از نظر آنان، تأکید بر شریعت، حاکمیت ملی و عدم مغایرت با قوانین داخلی، عملاً امکان نظارت بین‌المللی را سلب می‌کند. برخی (ره‌دار، ۱۳۹۵: ۱۲۹) نیز این دوره را «ارائه منشور جامع حقوق بشری با تکیه بر حقوق اسلامی» توصیف می‌کنند که در برابر «حقوق بشر غربی» قد علم می‌کند.

این تحلیل‌ها اغلب این واقعیت را نادیده می‌گیرند که اعلامیه قاهره محصول ضعف اجماع درون‌اسلامی بود، نه صرفاً «خصومت با غرب». در تدوین این سند، اختلافات عمیقی میان کشورهای عرب سکولار (مصر، تونس)، کشورهای محافظه‌کار خلیج‌فارسی (عربستان) و کشورهای با تجربه انقلاب اسلامی (ایران) وجود داشت؛ بنابراین گزاره‌هایی چون «سازمان اعلامیه قاهره را بر اعلامیه جهانی برتر می‌دانست» (موسوی اصل، ۱۳۹۸: ۲۵۱) گمراه‌کننده است؛ زیرا سازمان به‌عنوان یک نهاد بین‌الدولی، توان تحمیل چنین «برتری» را نداشت.

روایت «مواجهه»^۱ که در آثار اسلامی بازتولید شده، وامدار رویکردی است که «جهان‌شمولی لیبرال» را بی‌چون و چرا مفروض می‌گیرد. این رویکرد هرگونه تلاش برای بومی‌سازی حقوق بشر را به‌طور پیشینی «تقابل» قلمداد می‌کند، اما از منظر نظریه نسبی‌گرایی فرهنگی در حقوق بشر، اعلامیه قاهره را می‌توان کوششی برای تفسیر منطقه‌ای از حقوق بشر دانست؛ تفسیری که الزاماً با نظام بین‌المللی در تضاد نیست، بلکه خواهان انعطاف در اجرا بر مبنای ارزش‌های محلی است. به باور ما، مشکل اصلی سازمان در این دوره نه «مواجهه»، بلکه نبود یک نظریه حقوقی روشن درباره نحوه تعامل شریعت با موازین بین‌المللی بود. همین ابهام موجب شد که دولت‌های عضو از مواد ۴ و ۹ و ۱۰ معاهده حقوق کودک در اسلام سوءاستفاده کنند و با توسل به «قوانین داخلی» از تعهدات خود شانه خالی کنند؛ لذا این استنباط که سازمان «نقش

1. confrontation

مثبتی در ارتقای حقوق بشر ایفا نکرد» (همان: ۲۵۳) هرچند از نظر مشاهده نتایج درست است، اما از تبیین علت ساختاری این ناکامی باز می ماند. به نظر ما، ناکامی سازمان تا ۲۰۰۵ نه از «مواجهه»، بلکه از دوسوگرایی نهادی ناشی می شد: از یک سو نمی توانست نظام بین المللی را آشکارا رد کند (به دلیل نیاز به مشروعیت در مجامع جهانی)، و از سوی دیگر نمی توانست نظارت مؤثر بر دولت های عضو اعمال کند (به دلیل اصل حاکمیت و تنوع تفاسیر فقهی). این دوسوگرایی، نه یک انتخاب راهبردی، بلکه یک بن بست هنجاری بود.

۳-۱-۲. دوره سوم: از بن بست تا تعامل نهادی (۲۰۰۵ به بعد)

برخی این دوره را «دوره توجه به حقوق بشر» می نامند و شاخص هایی مانند اصلاح اساسنامه، بازنگری اعلامیه قاهره و تأسیس کمیسیون مستقل دائمی حقوق بشر (۲۰۰۸) را برمی شمارند. این توصیف در سطح رویه ها درست است، اما باز هم از تحلیل چگونگی گذار غفلت می کند. واقعیت آن است که دوره سوم نه صرفاً «توجه»، بلکه گذار از استراتژی بدیل گرایی به استراتژی همزیستی هنجاری بود. چه عواملی این گذار را ممکن کردند. از این منظر تأسیس کمیسیون مستقل حقوق بشر سازمان همکاری اسلامی با وجود آن که هنوز از قدرت نظارت واقعی (مانند بازدید از زندان ها یا صدور رأی الزام آور) بی بهره است، اما از نظر تغییر گفتمان حائز اهمیت است: سازمان برای نخستین بار پذیرفت که «حقوق بشر» نه یک مسئله داخلی، بلکه یک حوزه شایسته نهادسازی بین الدولی است. با این حال، در نقد عملکرد این کمیسیون باید گفت که گزارش های آن عمدتاً توصیفی و فاقد ضمانت اجرایی اند و هنوز از الگوی «نظارت ملایم»^۱ فراتر نرفته است.

بنابراین به نظر می رسد سازمان همکاری اسلامی اکنون در آستانه نسل چهارم حقوق بشر بیش از نسل سوم ظرفیت همکاری دارد؛ زیرا نسل چهارم (حق بر صلح، محیط زیست سالم، همبستگی بین نسلی و حق بر توسعه) کمتر با آموزه های شریعت در تعارض مستقیم است و می تواند بستری برای هم گرایی عمل گرایانه بدون نیاز به حل اختلافات بنیادین کلامی و فقهی فراهم آورد و ارزیابی آینده سازمان باید به جای تمرکز بر میزان «تطابق با اعلامیه جهانی»، بر میزان توانایی آن در تولید نهادهای

1. soft monitoring

فراملی پاسخ‌گو در قبال مسائل جدید جهان اسلام متمرکز شود.

۲-۲. ظرفیت‌های سازمان همکاری اسلامی برای حمایت و ارتقاء نسل

چهارم حقوق بشر

شاید به جرات بتوان گفت اصلی‌ترین و پرکاربردترین سازکار و ساختاری که توسط سازمان همکاری اسلامی جهت حمایت از حقوق بشر، ارتقاء و توسعه آن و همچنین نظارت بر عملکرد دولت‌های عضو تاسیس یافته، کمیسیون مستقل دائمی حقوق بشر سازمان همکاری اسلامی^۱ است. کمیسیون یک نهاد تخصصی با ظرفیت مشاوره‌ای است که توسط سازمان همکاری اسلامی به عنوان یکی از ارگان‌های اصلی که به طور مستقل در زمینه حقوق بشر فعالیت می‌کند ایجاد شده است. ایده اصلی ایجاد یک سازکار موثر و مستقل حقوق بشر، در برنامه اقدام ده ساله سازمان همکاری اسلامی که توسط سومین اجلاس فوق العاده در شهر مکه، در هفتم و هشتم دسامبر ۲۰۰۵ برگزار شد مطرح گردید. بر این اساس، تاسیس کمیسیون حقوق بشر در منشور جدید سازمان همکاری اسلامی که توسط یازدهمین اجلاس در داکار سنگال در ۱۳ تا ۱۴ مارس ۲۰۰۸ برگزار شد، اعلام شد. کمیسیون به طور رسمی با تصویب اساسنامه خود توسط سی و هشتمین جلسه شورای وزیران خارجه^۲ که در ۲۸ تا ۳۰ ژوئن ۲۰۱۱ در شهر آستانه قزاقستان برگزار شد، راه‌اندازی گردید. دبیرخانه کمیسیون از ساختمان دبیرخانه سازمان همکاری اسلامی مستقل است.^۳ کمیسیون از آن زمان، به عنوان یک سازکار حقوق بشری تاسیس گردید و اهداف و ماموریت‌های چند بعدی خود را دنبال می‌کند. کمیسیون از اولین جلسه عادی خود، مجموعه‌ای از پنج اصل راهنما را برای فعالیت خود به تصویب رساند که شامل اصول تکمیلی بودن، تفکر در مبانی داخلی، اولویت بندی، رویکرد ارتقایی و کسب اعتبار است. کمیسیون در اولین سال تأسیس خود، زمینه‌های مشخصی را با اولویت «حقوق زنان و کودکان»، «حق آموزش» با تمرکز بر «آموزش حقوق بشر»، «حق توسعه»، «اسلام هراسی و اقلیت‌های

1. Permanent Independent Human Rights Commission of the Organization of Islamic Cooperation

2. Council of Foreign Ministers

3. About Independent Permanent Human Rights Commission (IPHRC) of The Organisation of Islamic Cooperation (OIC), Available at: <https://www.oic-iphrc.org/home/post/1>

مسلمان» و همچنین «فلسطین» شناسایی کرد. کمیسیون همچنین به دول عضو در زمینه‌های مختلف حقوق بشر مانند بررسی و تهیه قوانین داخلی در قبال تعهدات مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر کمک کرده است.^۱

این کمیسیون از زمان تأسیس خود در مورد تعدادی از موضوعات مهم مورد توجه معاصر مانند حقوق زنان و کودکان، حق توسعه، مبارزه با اسلام‌هراسی، افراط‌گرایی و عدم بردباری و همچنین وضعیت حقوق بشر در کشورهای مختلف بحث کرده است. علاوه بر نگارش تعدادی گزارش در مورد موضوعات خاص مورد نیاز مانند وضعیت حقوق بشر در جمهوری آفریقای مرکزی، تأثیر منفی تحریم‌های اقتصادی و مالی بر برخورداری کامل از حقوق بشر مردم کشورهای هدف و مبارزه با اسلام‌هراسی، همچنین آیین دادرسی خود را نهایی کرده و گروه‌های کاری یا سازکارهای خاصی را برای کار بر روی موضوعات اصلی مورد تمرکز ایجاد کرده است. کمیسیون به طور منظم با سایر سازکارهای حقوق بشری منطقه‌ای و بین‌المللی در تعامل است و مشتاقانه منتظر همکاری در مورد موضوعات مورد توجه مشترک برای تقویت ارزش‌های جهانی حقوق بشر در همه سطوح است. کمیسیون، جزئیات فعالیت‌های خود از جمله جلسات منظم و سایر سمینارها یا کارگاه‌ها و همچنین شرکت در جلسات مختلف را در وبسایت خود اطلاع‌رسانی می‌کند و مصمم است نقش خود را در داخل دول عضو و فراتر از آن ایفا نماید. در این فرآیند، از دیدگاه‌ها و پیشنهادها در جهت پیشبرد اصول اصیل اسلامی عدالت و برابری و تحقق آرمان‌های ستودنی که اعلامیه جهانی حقوق بشر در مقدمه به رسمیت شناخته است، استقبال می‌کند: «... کرامت ذاتی و برابری و حقوق غیرقابل انکار همه اعضای خانواده بشری، اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است» (Kayaoglu, 2015: 5).

اهداف و ماموریت‌های کمیسیون، طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها از جمله موارد زیر را در بر می‌گیرد؛ از قبیل: مشاوره به نهادهای سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر سازمان همکاری اسلامی در موضوعات مرتبط حقوق بشری؛ انجام مطالعات و تحقیقات در زمینه حقوق بشر؛ پیشبرد حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در کشورهای عضو و نیز حقوق اساسی اقلیت‌ها و جوامع مسلمان در کشورهای غیر عضو مطابق با

1. Ibid

هنجارها و استانداردهای حقوق بشری شناخته شده جهانی با ارزش افزوده اصول اسلامی عدالت و برابری؛ ترویج و تقویت حقوق بشر در کشورهای عضو با ارائه «همکاری و کمک فنی در زمینه حقوق بشر و افزایش آگاهی»؛ پیگیری گفت‌وگوی بین‌ادیان و فرهنگ‌ها به عنوان ابزاری برای ارتقاء صلح و هماهنگی میان تمدن‌های مختلف و ارتقاء چهره واقعی اسلام؛ گسترش حمایت از کشورهای عضو و نهادهای ملی آن‌ها در ترویج و حمایت از حقوق بشر برای همه به روشی مستقل؛ بازنگری اسناد حقوق بشری سازمان همکاری اسلامی و پیشنهاد راهکارهایی برای تنظیم دقیق آن‌ها در صورت لزوم، از جمله گزینه توصیه مکانیسم‌ها و میثاق‌های جدید؛ ارتقاء روابط کاری همکاری با نهادهای ذیربط سازمان ملل و سازمان همکاری اسلامی و نیز سازکارهای مرتبط حقوق بشری منطقه‌ای؛ ترویج و حمایت از نقش سازمان‌های جامعه مدنی معتبر کشورهای عضو؛ و شرکت در مأموریت‌های نظارت بر انتخابات در کشورهای عضو.^۱

کمیسیون حقوق بشر سازمان همکاری اسلامی به عنوان یک سازکار منطقه‌ای و با ابتناء بر اعلامیه قاهره، مبادرت به حمایت از برخی حق‌های بشری و ترویج آن‌ها نموده است. این حق‌ها بعضاً متعلق به نسل اول (مانند حق حیات و کرامت ذاتی انسان‌ها، حقوق زنان، حقوق کودکان، مبارزه با اسلام‌هراسی و ...)، نسل دوم (تأثیر منفی تحریم‌ها بر بهره‌مندی از حقوق بشر) و نسل سوم (حق توسعه) بوده است. فارغ از چالش‌های نظری که درخصوص نحوه مواجهه کمیسیون حقوق بشر با حق‌های فوق‌الذکر وجود دارد، توجه به نسل چهارم حقوق بشر در فعالیت‌های حمایتی و ارتقای کمیسیون کمتر دیده می‌شود. رشد سریع فناوری، صنعت و تکنولوژی موجب گردید تا اندیشمندان، حقوق‌دانان و فلاسفه، از لزوم شناسایی نسل جدیدی از حقوق بشر سخن به میان آورند. حفظ کرامت انسانی در مقابل رشد سریع تکنولوژی، اصلی‌ترین علت پدید آمدن این قبیل نظریات بود. اگرچه کمیسیون حقوق بشر سازمان همکاری اسلامی، سال‌های آغازین فعالیت خود را سپری می‌کند و به نوعی طفل نوپایی را می‌ماند که در حال یادگیری مهارت‌هاست، لیکن روند سریع تحولات

1. Objectives of Independent Permanent Human Rights Commission (IPHRC) of The Organisation of Islamic Cooperation (OIC), Available at: <https://www.oic-iphrc.org/home/post/2>

بین‌المللی سبب گردیده تا ایده استفاده از ظرفیت این کمیسیون در تولید محتوا و مفاهیم مرتبط با نسل چهارم حقوق بشر مطرح گردد. به بیان دیگر، ورود کمیسیون حقوق بشر و حتی سازمان همکاری اسلامی، به موضوعات مرتبط با نسل‌های اول و دوم، به نوعی ورود پسینی است. بدین معنا که براساس ادبیات اسناد منتشره و واژگان مورد استفاده، کمیسیون با مفاهیم و محتواهایی روبه‌رو می‌شود که قبلاً توسط نهادها و سازکارهای بین‌المللی تهیه و تدوین گردیده‌اند و لذا در بیشتر مواقع نقشی منفعل را بر عهده می‌گیرد. لیکن ورود کمیسیون به موضوعات مرتبط با نسل چهارم حقوق بشر که فعلاً در عرصه بین‌المللی در مرحله تدوین و شناسایی است، شانی فعال و کنش‌گرانه را به این نهاد بخشیده و می‌تواند موجبات اثرگذاری بیشتر این نهاد در هنجارسازی‌های این حوزه موضوعی را به همراه داشته باشد.

۳-۲. برخی اقدامات حمایتی و ارتقایی سازمان همکاری اسلامی در ارتباط

با نسل چهارم

اشاره شد که نسل چهارم حقوق بشر عمدتاً حول محور حمایت از حقوق و کرامت انسانی با توجه به پیشرفت‌های فزاینده تکنولوژی و دسترسی به اطلاعات می‌گردد؛ لذا در این قسمت به یکی از اقدامات کمیسیون در ارتباط با حقوق دسترسی به اطلاعات پرداخته می‌شود. این اقدام که در واقع برگزاری یک نشست دوره‌ای و تدوین و انتشار یک اصول راهنما با موضوع حاکمیت هوش مصنوعی و حمایت از حقوق بشر است، ارتباط تنگاتنگی با نسل چهارم حقوق بشر دارد، هر چند در آن از نسل چهارم سخن به میان نیامده و در واقع نمی‌توان آن را تلاشی در جهت تدوین و شناسایی چارچوب‌های نسل چهارم توسط کمیسیون به حساب آورد، هر چند اقدامی در راستای تحقق اهداف این نسل محسوب می‌شود. در ادامه، به مهم‌ترین نکات این نشست و اصول راهنمای تدوین یافته اشاره می‌گردد.

نکته قابل توجه در تحول رویکرد سازمان همکاری اسلامی به حقوق بشر، تنها محدود به اسناد بنیادین یا تغییرات ساختاری نیست، بلکه در نحوه مواجهه نهادهای تخصصی آن با مسائل نوظهور جهانی نیز بازتاب یافته است. یک نمونه شاخص، گزارش بحث موضوعی کمیسیون مستقل دائمی حقوق بشر در بیست و سومین نشست دوره‌ای خود با عنوان «تأثیر هوش مصنوعی بر حقوق بشر: چالش‌ها

و فرصت‌ها» است.^۱ این گزارش از چند جهت حائز اهمیت تحلیلی است که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

۱-۳-۲. عبور از تقابل پیشین

نخستین نکته تأمل‌برانگیز، اذعان صریح گزارش به این واقعیت است که «هوش مصنوعی ذاتاً با اسلام ناسازگاری ندارد». این گزاره، در مقایسه با ادبیات دوره دوم سازمان (دوره مواجهه با حقوق بشر بین‌المللی)، نشان‌دهنده تغییر پارادایم آشکاری است. در گذشته، هر نوآوری غربی اصل اغلب با سوءظن هنجاری مواجه می‌شد، اما گزارش حاضر با تفکیک میان «فناوری» و «ارزش‌های نهفته در کاربرد آن»، زمینه را برای گفت‌وگوی عمل‌گرایانه فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، سازمان از پرسش «آیا این فناوری اسلامی است؟» به پرسش «چگونه می‌توان از این فناوری در چارچوب ارزش‌های اسلامی و حقوق بشر استفاده کرد؟» گذر کرده است..

۲-۳-۲. دوگانه فرصت و چالش

گزارش با یک توازن، هم به «پتانسیل تحقق بخشی» هوش مصنوعی پرداخته و هم «اصطکاک‌های حقوق بشری» آن را برشمرده است. از یک سو، هوش مصنوعی به‌عنوان عاملی برای بهینه‌سازی منابع، گسترش دسترسی به آموزش و سلامت، و رشد اقتصادی معرفی می‌شود. این بخش از گزارش، همسو با ادبیات سازمان ملل و نهادهای پیشرفته حقوق بشری است و نشان می‌دهد که سازمان همکاری اسلامی توانسته است خود را به گفتمان غالب جهانی در مورد فناوری‌های نوظهور نزدیک کند.

۳-۳-۲. تعهدات دولتی

گزارش دو تعهد اصلی را بر عهده دولت‌های عضو می‌گذارد: اول، محافظت از حقوق بشر در برابر آسیب‌های فعالیت‌های تجاری مرتبط با هوش مصنوعی، همراه با تضمین دسترسی به راه‌حل‌های حقوقی؛ دوم، همکاری بین‌المللی برای رسیدگی به اثرات فرامرزی فناوری‌های هوش مصنوعی.

در نگاه اول، این تعهدات نشانه بلوغ سازمان و خروج از انزوای هنجاری پیشین است. اما از منظر تحلیلی، نمی‌توان از این پرسش عبور کرد که ضمانت اجرای

1. Available at: <https://oic-iphrc.org/home/post/34>

این تعهدات چیست؟ کمیسیون مستقل دائمی حقوق بشر، به‌رغم نامش، هنوز از اختیاراتی مانند بازرسی از کشورها، صدور رأی الزام‌آور یا تحریم علیه دولت‌های متخلف برخوردار نیست. بنابراین، تعهدات مذکور بیشتر در زمره «حقوق نرم»^۱ قرار می‌گیرند.

1. soft law

برآمد

۱- تحولات شتابان علمی و فناوری در دهه‌های اخیر، به‌ویژه در حوزه‌هایی چون هوش مصنوعی، زیست‌فناوری، داده‌های کلان و فناوری‌های اطلاعاتی، چشم‌انداز حقوق بشر را با چالش‌هایی نوین مواجه ساخته است. در حالی که حقوق بشر در ادوار گذشته توانسته است در قالب نسل‌های سه‌گانه، پاسخ‌هایی نسبی به نیازهای بشری در بسترهای مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعی ارائه دهد، امروزه با ظهور تهدیداتی بنیادین علیه کرامت انسانی ناشی از سوءاستفاده از فناوری‌های نوین، ضرورت شناسایی و تضمین حقوقی نوپدید که بتوان آن‌ها را در قالب «نسل چهارم حقوق بشر» دسته‌بندی کرد، بیش از پیش احساس می‌شود. این نسل نوین از حقوق، برخلاف نسل‌های پیشین که مبتنی بر رابطه میان دولت و فرد یا گروه‌های انسانی بودند، ناظر بر مناسبات میان انسان و فناوری، داده و الگوریتم و حتی هستی‌زیستی و روانی انسان در برابر ماشین است. حقوقی همچون حق بر حاکمیت داده‌های شخصی، حق بر هوش مصنوعی اخلاق‌محور، حق بر حفاظت ژنتیکی و حق بر تعیین سرنوشت دیجیتال، از جمله مصادیق این نسل محسوب می‌شوند. ویژگی مشترک این حقوق، تمرکز بر صیانت از حیثیت و کرامت انسان در مواجهه با توسعه علمی و فناورانه است؛ حوزه‌ای که خلأهای تقنینی و هنجاری موجود در نظام بین‌المللی حقوق بشر به‌وضوح در آن مشاهده می‌شود.

۲- در این چارچوب، سازمان همکاری اسلامی به‌عنوان یکی از نهادهای مهم بین‌المللی با ترکیب جمعیتی گسترده و منابع فرهنگی مذهبی قابل توجه، می‌تواند نقش مؤثری در تکوین، ترویج و تضمین نسل چهارم حقوق بشر ایفا کند. بررسی‌های انجام‌شده در این مقاله نشان داد که کمیسیون مستقل دائمی حقوق بشر این سازمان، اگرچه به صورت موردی به برخی مصادیق مرتبط با نسل چهارم پرداخته و حتی در حوزه هوش مصنوعی اقدام به تدوین اصول راهنما نموده است، اما تاکنون فاقد رویکرد نظام‌مند و منسجم برای شناسایی و نهادینه‌سازی این نسل نوین حقوق بوده و کشم‌گیری چشم‌گیری نیز در فرایندهای بین‌المللی هنجارسازی در این حوزه نداشته است.

۳- پیشنهاد می‌شود جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از اعضای مؤثر

در سازمان همکاری اسلامی و دارنده نماینده در کمیسیون مذکور، ابتکار عمل در خصوص تدوین یک سند منطقه‌ای الزام‌آور در زمینه نسل چهارم حقوق بشر را در دستور کار قرار دهد. این سند می‌تواند به‌عنوان نقطه عزیمت یک فرایند هنجارسازی در سطح جهان اسلام عمل کرده و بستر مشارکت فعال کشورهای اسلامی در شکل‌دهی به رژیم حقوقی آینده‌نگر در عرصه حقوق بشر را فراهم آورد. بدیهی است چنین ابتکاری نه‌تنها جایگاه بین‌المللی سازمان همکاری اسلامی را در مباحث نوپدید حقوق بشر ارتقا خواهد داد، بلکه می‌تواند گامی مؤثر در جهت تحقق عدالت فناورانه، صیانت از کرامت انسانی، و تقویت هم‌گرایی میان ارزش‌های اسلامی و اصول بنیادین حقوق بشر در دوران پرتحول کنونی باشد.

فهرست منابع

الف. فارسی

- * ابراهیم گل، علیرضا و سیفی، سید جمال، (۱۴۰۳)، مسوولیت بین‌المللی دولت، چاپ سیزدهم، تهران: شهر دانش.
- * اسلامی، سید حسن (۱۳۹۱)، «اعلامیه اسلامی حقوق بشر و مسئله نابرابری‌ها»، مجله حقوق بشر، دوره ۷، شماره ۲.
- * موسوی اصل، سید حسن، و طباطبائی، سید احمد، (۱۳۹۹)، «رویکرد سازمان همکاری اسلامی؛ از روی گردانی تا توجه به حقوق بشر»، مطالعات حقوقی معاصر، سال یازدهم، شماره ۲۱.
- * بابازاده مقدم، حامد (۱۳۹۹)، «مقدمه‌ای بر نسل چهارم حقوق بشر؛ حمایت از کرامت انسانی در عصر ارتباطات»، علوم خبری، سال نهم، شماره ۳۴.
- * بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۹)، حقوق سازمانهای بین‌المللی، جلد نخست، تهران: مجد.
- * تاموشات، کریستین (۱۴۰۲)، حقوق بشر از آرمان‌گرایی تا واقع‌گرایی، برگردان و نگارش: حسین شریفی طرازکوهی، چاپ پنجم، تهران: میزان.
- * ذاکریان، مهدی (۱۳۸۳)، مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین‌المللی، تهران: میزان.
- * رهدار، احمد و رهدار، محمد (۱۳۹۵)، «نگاهی تطبیقی به مبانی حقوق بشر در اسلام و غرب»، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۴۵.
- * زمانی، سید قاسم و ملک حسینی، نیلوفر (۱۴۰۱)، نسل‌های حقوق بشری از شکل‌گیری تا تکامل، کتاب درآمدی بر حقوق بشر، تهران: ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران و اندیشکده بین‌المللی کرامت انسانی.
- * سیلومارکس، هلمنس (۱۳۸۵)، «مقوله چهارم حقوق بشر»، برگردان: حسن کاشفی اسماعیل‌زاده و محمدحسین رمضانی قوام آبادی، فصل‌نامه حقوق عمومی، شماره ۲.
- * علی‌زمانی، امیرعباس (۱۳۷۹)، «ماهیت تکنولوژی از دیدگاه هایدگر»، نامه مفید، شماره ۲۳.
- * قاری سیدفاطمی، سید محمد و رحیم‌زاده، سعیده و بستانی، فاطمه (۱۳۹۳)، «قطار

جهان شمولی حقوق بشر بر ریل ویتگنشتاین: از زبان آرمانی تا زبان پرابهام، فصل‌نامه پژوهش حقوق عمومی، سال شانزدهم، شماره ۴۵.

* قانع بصیری، محسن و میلانی، محمد (۱۳۸۸)، پرسشی از هایدگر: تکنولوژی چیست، تهران: پایان.

* موحد، محمدعلی (۱۳۸۱)، در هوای حق و عدالت، چاپ نخست، تهران: کارنامه.

* موسوی اصل، سید حسن (۱۳۹۸)، نقش سازمان همکاری اسلامی در ارتقای حقوق بشر در کشورهای اسلامی، رساله دکتری، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

* موسوی‌زاده، رضا (۱۳۹۵)، سازمان‌های بین‌المللی، جلد نخست، چاپ بیست و پنجم، تهران: میزان.

ب. انگلیسی

* Craven, Matthew (2000), **Legal Differentiation and the Concept of the Human Rights Treaty in International Law**, EJIL, vol. 3 No.3

* Dinstein, Yoram (1992). **“The Erga Omnes Applicability of Human Rights.”** Archiv Des Völkerrechts 30, no. 1: 16–21

* Jeremy, Gunn, Lagresa, Alvaro (2016), **“The Organization of Islamic Cooperation: Universal Human Rights, Islamic Values, or Raisons D etat?”** Human Rights & International Legal Discourse, Vo. 10, No. 2

* Kayaoglu, Turan (2015), **The OIC’s Independent Permanent Human Rights commission: An early assessment**, The Danish Institute for Human Rights

* Mayer, Ann, Ehizabeth (2007), **Islam and Human Rights**, Tradition and Politics. Westview Press, Cumnor Hill

* MKayaoglu, Turan (2015), **“The OIC’s Independent Permanent**

Human Rights Commission: an Early Assessment”, the Danish Institute for Human Rights Denmark’s National Human Rights Institution, No.3

* Moinuddin, Hasan (1987), **The Charter of the Islamic Conference and the Legal Framework of Economic Co-operation among its Member States**, Oxford: Clarendon Press

* Vasile Cornescu, Adrian (2009), **The Generations of Human’s Rights, Days of Law: the Conference Proceedings**, 1. edition. Brno: Masaryk University

* Manuel Jesús López Baróni, **Fourth Generation Human Rights in View of the Fourth Industrial Revolution** (2024), Center for Nanoscience and Sustainable Technologies (CNATS), Universidad Pablo de Olavide, 41013 Sevilla, Spain

* Mathias Risse (2023), **The Fourth Generation of Human Rights: Epistemic Rights in Life 2.0 and Life 3.0**, Published online by Cambridge University Press: 02 February 2023

* ScienceDirect (2001), **Generation Right**, in International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences.